

تفسیری بر دعای ندبه (جلسه پانزدهم)

مقدمه

در جلسه‌ی گذشته به تحریف معنوی قرآن و همچنین شرح معنای لسان صدق علیاً در فراز «وَبَعْضٌ آتَّخَذَتْهُ لِنَفْسِكَا خَلِيلاً وَ سَأَلَكَا لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيّاً...» پرداختیم و به نکاتی در مورد حضرت ابراهیم اشاره کردیم. در این جلسه نیز به شرح نکات تکمیلی در مورد این فراز می‌پردازیم.

ذریه‌ی ابراهیم خلیل

در این فراز از کلمه اِتَّخَذَ استفاده شده است. اتخاذ یعنی گرفتن با علم و آگاهی و برنامه‌ریزی؛ سپس می‌فرماید: «او را برای نفست به دوستی اتخاذ کردی» و نفرمود برای دینت که نشانه‌ی جایگاه والای ابراهیم در نزد خداست. خدا در آیه‌ی ۵۰ سوره‌ی مریم می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيّاً» و نمی‌گوید جلعلنا له؛ چون موضوع، ذریه‌ی حضرت ابراهیم است و طبیعتاً علاوه بر ایشان، فرزندان ایشان هم از این نعمت (وجود اهل‌بیت در نسل حضرت ابراهیم) بهره‌مند شده‌اند. امام‌صادق در ماجرای هجوم مأموران منصور دوانیقی به خانه‌ی خود به این نسبت اشاره می‌کنند. هنگامی که مأموران حاکم، خانه را آتش زدند، حضرت در میان آتش راه رفتند و گفتند: «من فرزند ابراهیمی هستم که او را در آتش انداختید، من فرزند ریشه‌های زمین (اسماعیل) ام.» (کافی، ج ۱، ص ۴۷۳)

این لَهْم به نوعی شامل بنی‌اسرائیل نیز می‌شود؛ زیرا آنها نیز به دلیل وصلت‌های فامیلی با بنی‌اسماعیل در این سلاله شریکند.

امامت، خواسته‌ی حضرت ابراهیم بود.

آنقدر در مورد آن سخن گفته بود که نه تنها مردم قومش، بلکه کسانی که به نوعی ایشان را می‌شناختند به این موضوع و امامت ایشان واقف بودند. در تورات در ماجرای دفن حضرت ساره

به این موضوع اشاره شده است، وقتی ایشان از مردم آن سرزمین برای دفن همسرش در غاری (غصبی نبودن زمین) اجازه می‌خواهد به او می‌گویند: «ادونای ناسی» تو امام خدای مایی؛ اما یهودیان واژه‌ی امام (ناسی) را رئیس ترجمه کردند که معنی این عبارت می‌شود، تو رئیس خدای مایی.

یکی از دعاهای اصلی حضرت ابراهیم، خواستن اهل بیت در نسلش بود.

حضرت ابراهیم ۱۴ معصوم را می‌شناخت؛ زیرا ولایت اهل بیت بر همه‌ی انبیاء عرضه شده است و هر کدام که در این ولایت شک و اکراهی داشتند، دچار تنبیه شدند.

ابراهیم؛ شیعه‌ی علی

در کتب مسیحیت و یهودیت هم به ۱۴ معصوم به ویژه سه تن (امیرالمؤمنین و امام حسین و امام زمان) به طور ویژه اشاره شده است. به علاوه امام صادق (راوی دعای ندبه) عمداً این فراز را ذکر کرده‌اند؛ زیرا قطعاً با اهل بیت رابطه دارد. توجه به آیه‌ی قبل یعنی آیه‌ی ۸۳ سوره‌ی شعرا نیز مؤید این موضوع است. خدا در آیه می‌فرماید: «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ اَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»؛ «پروردگارا به من علم و دانش ببخش و مرا به صالحان ملحق کن.» حکم کلمه‌ی جامعی است. هم حکمت در آن است و هم حکومت؛ یعنی حکمتی که ظهور و بروز پیدا کرده است. اصلاً حکومتی، حکومت است که سراسر حکمت است. خدا در آیه‌ی ۵۴ سوره‌ی نساء نیز به حکمت اشاره کرده و می‌فرماید: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ اَلْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»؛ «آیا بر مردم به خاطر نعمتی که خدا از فضل خویش به آنان ارزانی داشته حسد می‌برند؟ در حالی که ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و فرمانروایی بزرگ ارزانی داشتیم.» به همراهی کتاب و حکمت و ملک عظیم دقت کنید. به یهود، کتاب (تورات) و حکمت (پیامبری و حکیم یعنی خاخام) داده شد؛

اما ملک عظیم فقط ویژه‌ی بنی اسماعیل و اهل بیت است.

حضرت ابراهیم علاوه بر حکمت از خدا درخواست می‌کند که جزء صالحین باشد. مراد از صالحین به صورت خاص امامان و اهل بیت است. خدا در آیه‌ی ۸۳ سوره‌ی صافات در مورد حضرت ابراهیم می‌گوید: «وَ اِنْ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ»؛ «و از پیروان او ابراهیم بود.» ظاهر آیه در مورد حضرت نوح است؛ یعنی حضرت ابراهیم یکی از شیعیان حضرت نوح است. بین این دو پیامبر بیش از ۱۰۰۰ سال فاصله است؛ پس منظور این است که ابراهیم ادامه‌دهنده‌ی راه الهی حضرت نوح است؛ اما باطن آیه مطابق احادیث، حضرت علی است. جعفر جعفی از امام صادق راجع به تفسیر این

آیه پرسید: «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ» حضرت فرمود: «همانا هنگامی که خداوند سبحان، ابراهیم را آفرید، پرده از روی چشمش برگرفت. ابراهیم نگریست و نوری در کنار عرش دید. عرضه داشت: "خدایا این نور چیست؟" به او گفته شد: "این نور محمد صلی الله علیه و آله و سلم برگزیده‌ی آفریدگان من است." آنگاه نوری (دیگر) در کنار آن دید. پرسید: "خدایا این نور چیست؟" (از سوی خداوند) به او گفته شد: "این نور علی بن ابیطالب علیه السلام، یاور دین من است." در کنار آن دو نور، سه نور دیگر دید. پرسید: "خدایا این نورها چیست؟" پاسخ آمد: "این فاطمه علیها السلام است (که دوستانش را از آتش باز می‌دارم) و نور دو پسرش حسن و حسین." (ابراهیم) همچنین ۹ نور (دیگر) گرداگرد آنها دید. این بود که گفت: "بارالها، ۹ نور (دیگر) هم می‌بینم که پیرامون آنان را گرفته‌اند. گفته شد: "ای ابراهیم اینان، امامان از فرزندان علی و فاطمه‌اند..." پس ابراهیم گفت: "ای معبود و سرور من نورهایی را می‌بینم حلقه زده پیرامونشان که شماره‌ی آنها را جز تو کسی نمی‌داند." گفته شد: "ای ابراهیم، اینان شیعیان امیر اهل ایمان علی بن ابیطالب هستند." ابراهیم گفت: "شیعیان او به چه (نشانه‌هایی) شناخته می‌شوند؟" (خداوند) فرمود: "به (خواندن) ۵۱ رکعت نماز (نوافل) و بلند خواندن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و قنوت گرفتن پیش از رکوع و انگشتر به دست راست کردن." در این هنگام ابراهیم گفت: "بار خدایا مرا از شیعیان امیرالمؤمنین قرار ده." «(مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۱۸۷) امام صادق فرمود: «آنگاه خداوند این را در کتاب خود خبر داد که فرمود: "و به راستی که از جمله شیعیان او، ابراهیم است."» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۱۲، ص ۶۱۴)

حضرت ابراهیم در تقدم و تأخر تولد، جد و پدر امیرالمؤمنین است؛ اما در واقع شیعه‌ی امیرالمؤمنین است؛ یعنی حضرت ابراهیم ولایت امیرالمؤمنین را قبول کرد و خدا امام را در نسل او قرار داد.

دعوی فرزندان ابراهیم

خدا برکت (اهل بیت) را در نسل ابراهیم قرار داد. یهود اهمیت این موضوع و برکت را می‌شناخت؛ برای همین در تورات تحریفی، بر سر کسب این برکت بین فرزندان اسحاق (یعقوب و عیسو) دعواست و چه داستان‌های مضحکی که در این مورد نساخته‌اند! به این نحو رقبای خود را حذف کردند. اول با تغییر ذبیح از اسماعیل به اسحاق و سپس با دعوی یعقوب و برادرش عیسو و حذف او، حالا ما (بنی اسماعیل) مانده‌ایم و آنها. در تورات بر سر ذریه‌ی حضرت ابراهیم و برکتی که به ۱۴ معصوم منتهی می‌شود، دعواست.

از نام‌های حضرت علی در تورات، برکت مقدس است.

می‌گوید: «وقتی سِکینا (سکینه) به برکت مقدس برسد، آن وعده که اولاد تو کثیر می‌شوند، شکل می‌گیرد» آنها منتظر چنین ازدواجی بودند. یکی از مفاهیمِ نمادِ ستاره‌ی ۶ پَرِ یهود همین است. مثلث رو به پایین؛ نماد زن، زیبایی، تعادل و توازن است و مثلث رو به بالا؛ نماد مرد و استحکام و قاعده است. وقتی این دو به هم برسند از ۶ جهت برکت می‌آید. برای همین ازدواج امیرالمؤمنین و حضرت زهرا بسیار ویژه است. برای همین حضرت علی ازدواج با حضرت زهرا را جزء فضایل خود بیان می‌کنند. اینکه در احادیث گفته‌اند آسمان و زمین از این ازدواج شاد شدند به دلیل آگاهی آنها از نتیجه‌ی این ازدواج و رسیدن به ظهور امام‌زمان و دورانی که بهشت بر زمین محقق می‌شود، است.

نعمت امام

ما درکی از دنیای پس از ظهور نداریم. شرایط زمان ظهور چنان متفاوت است که علامه طباطبایی می‌فرماید: «ظهور در محیطی برزخی محقق می‌شود»؛ یعنی انسان‌ها کارهای برزخی می‌کنند. همه ولی‌الله می‌شوند و همه با ارواح مؤمنین ارتباط دارند و بهشت را درک می‌کنند. ما اکنون در تاریکی هستیم؛ اما در زمان ظهور و با طلوع خورشید وجود امام، دنیای ما عوض می‌شود. ما تا پیش از ظهور مانند نابینایی که درکی از رنگ و اشیاء و مفاهیم بسیاری ندارد، هستیم. چه کسی ندبه می‌خواند و این‌آین می‌گوید؟ کسی که می‌داند امام ندارد و می‌داند امام نداشتن یعنی چه. این فرازهای دعای ندبه و شرح داستان انبیاء به ما می‌گوید که ما منتظر کسی هستیم که از آغاز خلقت، دعوا سر اوست.

آزمون قربانی کردن اسماعیل، اگر اهل‌بیت و امام‌زمان در آن نبودند، آزمون سختی نبود

در طول تاریخ بچه‌های بسیاری قربانی شده‌اند. کدام فرزند (فرزندی که اهل‌بیت در نسل او هستند) را قربانی کردن مهم است. داستان لیل‌المبیت هم همین است. صرفاً به جای پیامبر خوابیدن برای امیرالمؤمنین فضیلت نیست در چه شرایطی بودن، مهم است. امام‌علی هنوز با حضرت زهرا ازدواج نکرده بودند. اصلاً این آزمون، هم آزمون پیامبر بود و هم آزمون حضرت علی.

وقتی داستان پیامبران را در دعای ندبه می‌خوانیم،

تازه می‌فهمیم که شیعه‌ی اهل‌بیت بودن یعنی چه.

این دعا مدام ما را توجه می‌دهد و به ما می‌فهماند که در پیشگاه چه کسانی هستیم. وقتی این را فهمیدیم به گریه و بکاء می‌رسیم و می‌گوییم: «فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ وَ إِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْتَذْرِفِ الدَّمُوعُ وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ، وَيَضِحَّ الضَّاحُونَ وَيَعِجَّ الْعَاجُونَ»

سخنرانی استاد رائفی پور

موضوع: تفسیری بر دعای ندبه (جلسه پانزدهم)

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی پور، مهر ۱۴۰۱ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.instagram.com/Mahdiaran)